

تحلیل حقوق بین الملل در پرتو تئوری انتخاب منطقی

دکتر حجت خدائی فام گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

چکیده

معمولاً حقوق بین الملل را حقوق واقعی نمی دانند. این گفته نادرست است ولی بر حقایق غیر قابل انکار حقوق بین الملل تکیه دارد که بدرستی درک نشده اند: حقوق بین الملل قوه مقننه، قضاییه و مجریه متمرکز و اثر بخشی ندارد؛ حقوق بین الملل بیش از آنکه بنفع دولت های ضعیف باشد بنفع دولت های قوی است و غالباً نقض می شود بدون اینکه نقض آن مجازاتی بدنبال داشته باشد. دانش حقوق بین الملل ترکیبی از نظریه پردازی و آرمان گرایی است. بی توجهی به ویژگی های خاص حقوق بین الملل باعث غفلت از طرز کار عملی حقوق بین الملل شده است. حقوقدانان و اساتید معمولاً حقوق بین الملل را در بستر آموزه های حقوق داخلی شرح و توضیح دهند و این باعث شده تا سوالات زیادی در این رشته بی پاسخ باقی ماند. به وجود آمدن و تغییر حقوق بین الملل چگونه است؟ رفتار کشورهای کاملاً متفاوت چگونه تحت تاثیر آن قرار می گیرد؟ کی و چرا کشور ها آنرا رعایت می کنند؟ نوشتار حاضر یک تحلیلی بنیادین در جهت توضیح رئالیستی طرز کار عملی حقوق بین الملل است. با در نظر گرفتن واقعیت های روابط بین الملل با استفاده از ابزاری بنام تئوری انتخاب منطقی به این سوال ها پاسخ مناسب خواهیم داد.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، دولت، انتخاب منطقی، تحلیل بنیادین، رئالیسم

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 18

Pages 1-23

Analysis of International Law in the Light of Rational Choice Theory

Dr. Hojjat Khodaeifam Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Abstract

International law is not usually considered to be real law. This statement is incorrect, but it relies on undeniable facts of international law that are not properly understood: international law does not have a centralized and effective legislative, judicial, or executive branch; international law benefits strong states more than it benefits weak states, and it is often violated without punishment for its violation.

The knowledge of international law is a combination of theorizing and idealism. Ignoring the specific features of international law has led to neglect of the practical workings of international law. Lawyers and professors usually explain and explain international law in the context of domestic legal doctrines, and this has left many questions in this field unanswered. How does international law come into being and change? How is the behavior of completely different states affected by it? When and why do states observe it? This article is a fundamental analysis aimed at explaining the practical workings of international law in a realistic way. Taking into account the realities of international relations, we will provide appropriate answers to these questions using a tool called rational choice theory.

Keywords: International law, government, rational choice, fundamental analysis, realism

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

منافع برای خود هستند^۴. البته بعضی از صاحب نظران دیگر نیز قبلاً از مفهوم منافع دولت برای توضیح قواعد حقوق بین الملل استفاده کرده اند ولی روش آنها سردرگم کننده و بسیار مبهم بوده است^۵.

ما مفهوم منافع دولت را با مدل های ساده انتخاب منطقی مخلوط کرده و تحلیل کاملی از حقوق بین الملل ارائه خواهیم کرد. اینکه دولت ها عاقلانه به دنبال حداکثر منافع هستند، فرضی نیازمند اثبات است. همه اجزاء این فرض را می توان زیر سوال برد. لذا لازم است در ابتدا منظور خود از مفهوم دولت، منافع دولت و عاقل بودن دولت ها را کمی روشن تر بیان کنیم.

شرح اصطلاحات و مفاهیم

(۱) دولت (کشور)

مفهوم کشور علی رغم بدیهی نمودن پیچیده است. کشور نتیجه باور مردمان آن است. اگر مردم آمریکا، ایالات متحده را کشور نمی دانستند و به جای آن خود را شهروندان ایندیانا، نگزاس یا هر تقسیم بندی دیگری می دانستند بجای ایالات متحده تعدادی کشور دیگر به وجود می آمد. این همان اتفاقی

حقوق بین الملل ذاتاً مولود منافع و قدرت کشورها در صحنه بین المللی است. این دو عامل اصلی سیاست بین الملل معمولاً مورد غفلت یا چشم پوشی محققین حقوق بین الملل قرار می گیرند. مطالعه این حقوق بدون در نظر گرفتن واقعیت های سیاست بین الملل به یافته های کم اهمیت و صرفاً دارای ارزش آکادمیک می انجامد. این یافته های بدور از واقعیت حتی در بزنگاه های سخت می تواند تصمیم گیرندگان دولت را خلاف منافع کشور به اشتباه بیندازد^۱. ما این دو عامل را با ابزاری بنام تئوری انتخاب منطقی^۲ برای تحلیل حقوق بین الملل بکار خواهیم گرفت.

البته این نوع تحلیل در ادبیات حقوق بین الملل شاذ و نادر است. محققین علوم سیاسی با استفاده از تئوری انتخاب منطقی^۳ گشایش زیادی در رشته روابط بین الملل بوجود آورده و باعث آغاز تحقیقات مفیدی شده اند. به باور ما انتخاب منطقی می تواند این نور افشانی را در حقوق بین الملل هم داشته باشد. ما حقوق بین الملل را محصول دولت های عاقل و منفعت طلبی می دانیم که با در نظر گرفتن منافع و قدرت خود و ارزیابی که از منافع سایر کشورها دارند خواهان حداکثر

^۴ -تحلیل حاضر حقوق بین الملل را برخلاف حقوق داخلی درون زا می داند نه برون زا. حقوق داخلی را می توان مجموعه ای از قواعد و مقررات و هنجارها دانست که توسط مقامی خارج از اجرا کنندگان آن یعنی مجلس، کنگره و ... تصویب، اعلام و نهایتاً اجرا می شود. ولی حقوق بین الملل نتیجه اعمال و رفتار دولت ها است بعبارت دیگر در حقوق بین الملل قواعد و مقررات کنترل کننده رفتار دولت ها نیستند بلکه این رفتار دولت ها است که قواعد را بوجود آورده، تغییر، اصلاح و اجرا شدن آنها را کنترل می کند. به عبارت دیگر، تحلیل حاضر مسیر بوجود آمدن قاعده در حقوق بین الملل را برعکس مسیر حقوق داخلی می داند.

5-L. Oppenheim, international law. Vol. 1, (London: Longmans, green, 1912)

^۱ -برجام گرچه تجربه تلخی بود ولی یک درس روشن به حقوقدانان و دولتمردان ایران داد. آن درس این بود که نمی توان بر روی حقوق بین الملل بیش از وزن آن حساب باز کرد.

^۲ -Rational choice theory

^۳ -تئوری انتخاب منطقی که آنرا تئوری انتخاب و تئوری اقدام منطقی و تئوری بازی نیز می نامند چهارچوبی برای درک رفتار های اقتصادی و اجتماعی و نمونه سازی آنها است. بر اساس تئوری انتخاب منطقی همه در کارهای خود با تجزیه و تحلیل هزینه و منفعت به دنبال بهترین نتیجه (بالاترین نفع ممکن) از رفتار خود هستند.

ویژگی های خاص حقوق بین الملل باعث می شود هیچ وقت اهمیت دولت ها در آن کم فروغ نشود به عبارت دیگر حقوق بین المللی که در آن دولت ها نقش حاضر را نداشته باشند دیگر حقوق بین الملل نخواهد بود. بعضی، اتحاد اروپا را شاهدی بر کم رنگ شدن دولت و الگویی قابل دسترس برای حقوق بین الملل آرمانی تر می دانستند. ولی تجربیاتی مانند برگزیت نشان داد که بهتر است اتحاد اروپا را نمونه اتحاد چند دولت همانند اتحاد ایالت های آمریکا قبل از قرن بیستم (اتحادی که در دوره کنفدراسیون، آن را فدراسیونی تحت شمول حقوق بین الملل می دانستند) و اتحاد آلمان و ایتالیا در جنگ جهانی دوم بدانیم. این واقعیت که دولت ها در حال از دست دادن قدرت به نفع تقسیمات کوچک تر (مانند فروپاشی شوروی و یوگسلاوی سابق)، شبه دولت ها (مانند تفویض ۸ های اروپا) و شرکت های چند ملیتی و سازمان های مردم نهاد فراملی هستند نیز از نقش و اهمیت آنها در حقوق بین الملل نمی کاهد.

۲) منافع دولت ها

وقتی از منافع یک دولت صحبت می کنیم منظور همان نتایج مطلوب و خواسته شده از طرف یک دولت است. منافع دولت همیشه شفاف و ثابت نیست، چون اولاً تحولات داخلی

است که در دهه ۱۹۹۰ زمان فروپاشی شوروی و یوگسلاوی سابق افتاد. همانند شرکت در حقوق داخلی در حقوق بین الملل کشور استعاره ای بیش نیست و اعمال کشور توسط رهبران آن کنترل می شود مثلاً این رهبران هستند که معاهدات را مذاکره، منعقد و در مورد رعایت یا نقض آنها تصمیم می گیرند. معمولاً دولت ها را در کنار سازمان های بین المللی و موجودیت هایی مانند افراد، نهضت های آزادی بخش، سازمان های بین المللی غیر دولتی و سایرین جزء تابعین حقوق بین الملل می دانند.^۷ اما در حقوق بین الملل نقش اصلی و بی بدیل متعلق به دولت ها است. حضور و وجود سایر موجودیت ها در حقوق بین الملل وابسته و برخاسته از دولت ها است. مثلاً در مورد افراد و مباحث حقوق بشری همیشه یک طرف غیر قابل حذف شدن دولت ها و پذیرفتن معاهدات و رویه و رفتارهای حقوق بشری از طرف آن ها است. وجود سازمان های بین المللی دولتی مانند سازمان ملل متحد نیز مرهون اراده و وجود دولتهاست. در تشکیل قواعد، مقررات حقوق بین الملل نقش دولت به حدی پررنگ است که سایرین حتی سازمان های بین المللی دولتی نیز در این سایه گم می شوند.

به این جهت ما دولت ها را در مرکز تحلیل قرار داده و معتقدیم غیبت سایرین تاثیری در صلابت آن نخواهد داشت.

^۸-Devolution

^۹-مانند تفویض در بریتانیای کبیر که طی آن اختیارات قانون گذاری از پارلمان بریتانیا به پارلمان های اسکاتلند، ولز، ایرلند شمالی و قدرت به دولت های آنها واگذار شده است. تفویض با فدرالیسم متفاوت است. در تفویض، اختیارات واگذار شده در نهایت به دولت مرکزی برمی گردد و از طرف دولت مرکزی قابل اصلاح و تغییر است.

^۶-Jack L. Goldsmith & Eric A. Posner: the limits of international law (New York: oxford university press, 2005) 4

^۷-رک: رضا، موسی زاده: بایسته های حقوق بین الملل، چاپ سی و یکم. (تهران: بنیاد حقوقی میزان ۱۴۰۱) و محمد رضا، ضیایی بیگدلی: حقوق بین الملل عمومی، چاپ هفاد و هشت. (تهران: انتشارات گنج دانش ۱۴۰۲)

Rebecca M.M. Wallace: international law, 7th ed.(London: sweet & Maxwell limited, Lo 2010) 59-96

دولت تاثیر می گذارند. حتی در دولت های دمکراتیک، نهادهایی که انتخاب های مردم را به سیاست دولت تبدیل می کنند گاهی معیوب، مستعد فساد و از ریل خارج شدن بوده و گاهی ناکارآمد یا مواجه با موانع هدفمند (مانند تفکیک قوا) می شوند و یا توسط افراد و گروه های سواستفاده گر مصادره می شوند. وجود گریزناپذیر چنین مکانیسم مخربی به این معناست که منافع دولت در معنی مورد نظر ما ضرورتاً، و گاهی هیچ وقت به سیاست افزایش دهنده رفاه عمومی در داخل کشور نمی انجامد.

۳) انتخاب منطقی

شکی نیست که دولت ها با توجه به منافع خود رفتار می کنند. نظریه انتخاب منطقی الگوهای مفیدی برای درک رفتارهای حاصل از منافع شخصی فراهم می کند. محققین رشته روابط بین الملل با استفاده از ابزارهای انتخاب منطقی گشایش زیادی در آن بوجود آورده و آغاز تحقیقات مفیدی را باعث شده اند. معتقدیم تئوری انتخاب منطقی می تواند این نور افشانی را در حقوق بین الملل هم داشته باشد.

اساس تحلیل حقوق بین الملل ما عاقل فرض کردن دولت ها برای نیل به حداکثر منافع است. البته انکار نمی کنیم گاهی دولت ها بعلت اشتباه رهبر یا نقص های نهادی و موارد مشابه ممکن است عاقلانه رفتار نکنند. این امر خللی بر اصل عاقلانه رفتار کردن دولت ها وارد نمی کند. در تحلیل حاضر با عاقل فرض کردن دولت ها از اصول و الگوهای تئوری انتخاب منطقی به صورت عملی و به عنوان ابزاری برای سازمان دهی

و بین المللی می تواند نظر دولت راجع به نتایج مطلوب و خواسته شده را تغییر دهد، ثانیاً نهادها و اشخاص مختلف تشکیل دهنده دولت همیشه نتایج یکسانی را ترجیح نمی دهند. با این وجود دولت ها-بخصوص دولت های دارای ساختار سیاسی منظم-قادرند بر اساس منافع یا ترجیحات خود تصمیمات منسجمی بگیرند و یک دولت در صحنه بین المللی همیشه با در نظر گرفتن هدف یا اهداف اصلی خود رفتار می کند.

معمولاً منافع یک کشور در مقابل یک نظم و ترتیب بین المللی توسط رهبر سیاسی آن دولت تعیین می شود. این رهبر سیاسی است که تحت تاثیر عوامل مختلف موضع دولت نسبت به قاعده ای از حقوق بین الملل را مشخص می کند. البته گروه ها و نهادهای مختلف داخلی می توانند بر تصمیمات رهبر تاثیر متفاوتی داشته باشند و می توان این تاثیرات را در تحلیل رفتار حقوق بین المللی دولت ها مورد توجه قرار داد.

برای کشورها منافع ثابتی در نظر نمی گیریم چون منافع کشورها بسته به شرایط قابل تغییر است. برخلاف بعضی واقع گرایان ۱۰ منافع دولت را محدود به امنیت و (شاید) رفاه نمی دانیم. منافع یک دولت همیشه در سیاستی که باعث افزایش رفاه کشور شود تعریف نمی شود. چون اولاً منافع یک کشور توسط رهبران تعیین می شود و ممکن است ترجیح رهبران افزایش رفاه و امنیت شهروندان نباشد. ثانیاً در هر کشور اشخاص، گروه های خاص، نخبگان، شرکت ها، ارتش، بستگان دیکتاتور و سایرین بر رهبر هنگام پیش بردن سیاست

¹⁰-Realists

های دیگر مانند رفاه عمومی و دیگر پارامترهای مرتبط خواهد بود.

پی ریزی تحلیل

(۱) نقدی بر آموزه های سنتی حقوق بین الملل

بیشتر علم حقوق بین الملل با واقعیت های روابط بین الملل هم خوانی ندارد و می توان گفت تا حدود زیادی محصول قلم فرسایی اساتید و صاحب نظران این حقوق است. این اساتید گرچه نظرات بشدت متفاوتی دارند ولی اکثراً در یک فرضی که ما آن را قبول نداریم اشتراک دارند. بنظر آنها رعایت قواعد و مقررات حقوق بین الملل از طرف دولت ها در اثر خود مقررات و قواعد حقوق بین الملل است. این دسته معمولاً دلیل رعایت حقوق بین الملل از طرف دولت ها را دست آخر به اخلاق یا قانون نسبت می دهند. این نگرش در کل منکر این نیست که دولت ها منافع دارند و به دنبال رسیدن به این منافع هستند ولی حقوق بین الملل را سدی در مقابل نفع طلبی دولت ها می داند.

فرض رعایت شدن حقوق بین الملل در اثر خود حقوق بین الملل باب میل بیشتر معلمین و اساتید حقوق بین الملل است. این فرض برای برنامه ای که آنها برای تعلیم و تدریس دارند کافی است. در این گرایش سیاهه قوانین و مقررات هر حوزه از حقوق بین الملل بدون توجه به رفتار واقعی کشورها ذکر و شرح داده می شود. اینان برای پیشبرد تدریس و تعلیم

ایده ها، ادراکات و شفاف کردن فرضیات خود استفاده خواهیم کرد. تحلیل حاضر بهتر و دقیق تر از روش سنتی و تحلیل های دیگر می تواند رفتار حقوقی بین المللی دولت ها را توضیح می دهد.

ممکن است گفته شود احتمال دارد دولتی خود احترام به حقوق بین الملل را انتخاب کند. بعضی از مردم، شاید هم خیلی از آنها، از دولت خود انتظار رعایت حقوق بین الملل را دارند و احتمال دارد رهبرانی هم چنین کنند به خصوص در نظام های لیبرال دموکراسی که رهبران عادت دارند مطابق خواسته مردم رفتار کنند. ولی حتی این نوع ترجیح نیز بدون توجه به منافع نخواهد بود و تاثیری بر رفتار آن دولت در صحنه بین المللی نخواهد داشت. اگر ترجیح شهروندان و رهبران رعایت حقوق بین الملل باشد، آنها نتیجه این ترجیح را با ترجیح های دیگر مقایسه خواهند کرد. وقتی انتخاب رعایت حقوق بین الملل باعث پرداخت هزینه از چیزهای مهمی مانند امنیت و رشد اقتصادی شود، شهروندان و رهبران امنیت و رشد اقتصادی را به رعایت حقوق بین الملل ترجیح خواهند داد. به عبارت دیگر رعایت حقوق بین الملل بستگی به افزایش امنیت، رشد اقتصادی و سایر مطلوبیت ها از مجرای رعایت آن خواهد داشت؛ وقتی رعایت حقوق بین الملل به بهای پرداخت هزینه از مطلوبیت های دیگر باشد رعایت آن به دست فراموشی سپرده خواهند سپرد. نظرسنجی ها نیز این مطلب را تایید می کنند^{۱۱}. بنابراین انتخاب رعایت حقوق بین الملل تابعی قابل پیش بینی از هزینه پرداختی از مطلوبیت

¹¹-Chicago Council on Foreign Relations: American Public Opinion and Foreign Policy, Worldview, (2022).

توضیح دیگر جنبه های مختلف حقوق بین الملل از جمله دگرگونی و تغییر آن هم بر نمی آید.

تئوری انتخاب منطقی همانطور که در رشته روابط بین الملل گشایش زیادی به وجود آورده برای حقوق بین الملل هم می تواند ادبیات بهتری فراهم آورد. غالب تئورسین های روابط بین الملل تعهدات روش شناختی متفاوتی با تعهدات روش شناختی حقوقدانان بین المللی دارند. تحلیل های اثباتی مشخصه بارز ادبیات روابط بین الملل است، تئورسین های روابط بین الملل بیشتر دنبال توضیح رفتار های بین المللی هستند تا تجویز رفتار های بین المللی. به این دلیل محققین روابط بین الملل بیشتر از حقوقدانان به تجربه، روش شناسی و تئوری پردازی توجه می کنند و در کل آنها اقتصاد، اجتماع و تاریخ را بیشتر در نظر می گیرند. خوشبختانه از اواخر قرن بیستم بعضی از محققین حقوق بین الملل به ابزارهای رشته روابط بین الملل علاقه نشان داده اند^{۱۵}. در سال های اخیر، محققین علوم سیاسی شروع به مطالعه حقوق بین الملل در جایگاه واقعی خود کرده اند^{۱۶}. همچنین اقتصاددانان یا حقوقدانان متأثر از آنها در حال شکل دادن ادبیاتی کوچک اما در حال رشد از تئوری انتخاب منطقی در حقوق بین الملل

خود مجبورند مبنا و دلیلی برای رعایت حقوق بین الملل از طرف دولت ها دست و پا کنند. مثلاً برای برقراری در اثر خود با عنوان حقوق ملت ها در تلاش برای مشخص کردن جایگاه حقوق بین الملل در روابط بین الملل اعلام می دارد دولت ها از حقوق بین الملل اطاعت می کنند چون خود آنرا قبول کرده اند^{۱۲}. فرانک ادعا می کند آنها از حقوق بین الملل اطاعت می کنند چون این حقوق طی فرآیندی قانونی (شفاف، منصفانه و فراگیر) به وجود می آید^{۱۳}. کوه معتقد است حقوق بین الملل به بخشی از مجموعه ارزش های داخلی یک دولت تبدیل می شود^{۱۴}.

ما این شیوه مطالعه را بی فایده می دانیم. مطیع فرض کردن دولت ها ارزش تفسیری و کاربردی چندانی ندارد. شواهد و حقایق روابط بین دولت ها نظراتی مانند اینکه دولت ها حقوق بین الملل را رعایت می کنند چون این حقوق انعکاس آئین های اخلاقی، رضایت یا مجموعه ارزش های داخلی است تایید نمی کنند. این دسته، عاجز از درک دلایل مختلف رعایت حقوق بین الملل در مورد علت رعایت آن نظریه های بی خاصیت می دهند. این نظریه ها از عهده

Wood: Inter-national Law and International Relations Theory: A New Generation of Interdisciplinary Scholarship, American Journal of International Law, vol. 92, no. 3 (1998): 367-397; Alexander Thompson: Applying Rational Choice Theory to International Law: The Promise and Pitfalls, the Journal of Legal Studies, Vol. 31, No. S1 (2002): S285-S306; Robert O. Keohane: Rational Choice Theory and International Law: Insights and Limitations, Journal of Legal Studies, Volume XXXI (1), (2002): 307-319.

¹⁶-Goldstein, Judith, Miles Kahler, Robert O. Keohane, and Anne-Marie Slaughter. 2000. Legalization and World Politics. International Organization 54: 3.

¹²-Brierly, James Lesli: The Law of Nations: An Introduction to the International Law of Peace, 7th ed, (Oxford university press, 2012), 47-54

¹³-Thomas, Franck M: The Power of Legitimacy among Nations, (New York: Oxford University Press, 1990): 24.

¹⁴-Koh, Harald Hongju, Why Do Nations Obey International Law? Yale Law Journal, vol. 106: 2599, (1997), 2603.

¹⁵-See: Andrew Guzman: How International Law Works: A Rational Choice Theory (New York, oxford university press, 2008); Anne-Marie Slaughter, Andrew S. Tulumello, and Stephan

عنصر روانی عرف می گویند^{۲۲}. عنصر معنوی همان چیزی است که کارهای از روی نزاکت یا منافع دولت ها را از کارهایی که مجبور به انجام آنها هستند جدا می کند. بنظر اساتید و دادگاه ها رویه بین دولت ها بمحض لازم الاجرا شمرده شدن از طرف آنها تبدیل به عرف بین المللی می شوند^{۲۳}.

این توضیحات مشهوری که راجع به عرف بین المللی در کتاب ها و مجموعه های حقوق بین المللی وجود دارد با سوالات بی پاسخ زیادی مواجه است. اولاً رویه دولتها در کدام رفتار آنها متجلی می شود؟ اظهارات سیاسی، قانون گذاری داخلی، مکاتبات دیپلماتیک منابعی هستند که اختلاف کمتری در مورد آنها وجود دارد. گفته شده است که عرف ها در معاهدات بخصوص معاهدات چند جانبه تبلور می یابند و به روشی بحث برانگیز معاهدات دوجانبه را در این زمینه صاحب نقش دانسته اند. حتی آثار حقوقدانان را منبعی رایج برای عرف دانسته اند. البته شکی در این وجود ندارد که آثار این حقوقدانان نمی تواند بی طرف باشد. بحث برانگیزتر از اینها، قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سایر اظهارنظرها و قطعنامه های غیر الزام آور تشکل های چند

هستند^{۱۷}. دو قاعده مشهور حقوق بین المللی یعنی «عنصر معنوی^{۱۸}» (احساس تکلیف قانونی که عرف ها را لازم الاجرا می کند) و «لزوم وفای به عهد^{۱۹}» (قاعده ای که بر اساس آن معاهدات لازم الاجرا هستند) ستون های اصلی نگاه سنتی و دلیلی است که طرفداران این نگاه برای رعایت شدن حقوق بین الملل در دو حوزه عرف و معاهده ذکر می کنند. ما در اینجا فعلاً متعرض قسمت دوم نمی شویم و بحث در مورد آنها به آینده موکول می کنیم. برای نشان دادن نواقصات و کاستی های دیدگاه سنتی قسمت اول یعنی عرف ها و بحث برانگیزترین قسمت آن یعنی عنصر معنوی را بیشتر بررسی می کنیم.

معمولاً عرف بین المللی را همان رویه های شایع و یکسانی می دانند که دولت ها از روی احساس تکلیف قانونی^{۲۰} آنها را رعایت می کنند^{۲۱}. این تعریف دو عنصر دارد: رویه یکسان و شایع دولت ها که عنصر مادی نامیده می شود و اطاعت از این رویه بعلت احساس تکلیف قانونی که اغلب عنصر معنوی نامیده می شود. چون عنصر معنوی دلیل اطاعت یک دولت از یک قاعده رفتاری را بیان می کند به آن

20 -Sense of legal obligation

۲۱ -محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، چاپ ۵۳، (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵)، ۱۵۶-۱۵۴. و سید باقر میر عباسی، حقوق بین الملل عمومی، چاپ سوم. (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷)، ۱۹۰-۱۸۸

22 -James Crawford, SC, FBA: brownlie's principles of public international law, 9th Edition. (New York: oxford university press, 2012). 21; Samantha Besson, Jean d'Aspremont: The Sources of International Law: An Introduction. (Oxford University Press, 2020), 1-39

23 -The Paquete Habana.1900. 175 US 677, P: 686

17 -Andrew, Guzman: A Compliance-Based Theory of International Law, California Law Review, Vol.90, No.6 (2002): 1823-1887. ; Eric, A Posner: A Theory of the Laws of War, University of Chicago Law Review, Vol.70, (2003): 297-317; Sykes, Alan O, 2004. Polinsky and Steven Shavell: The Economics of Public International Law. In Handbook of Law and Economics, 1st ed. (Amsterdam, Elsevier 2007).

همچنین رک: حجت خدایی فام، علیرضا آرش پور، «چارچوب حقوقی سازمان جهانی تجارت از منظر تئوری بازی در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، ۳۵، شماره ۵۹، (۱۳۹۷): ۳۱۱-۲۷۷

18 -Opinio juris

19 -Pacta sunt servanda

معنوی را تبدیل به چیزی اضافه در کنار شرط رویه دولت ها می کند، شرطی که به خودی خود نمی تواند عرفی بین المللی را بوجود آورد. برای فرار از این مشکل، محققین و دادگاه ها گاهی برای اثبات وجود عنصر معنوی نشانه های مستقلی از جمله تایید از طرف عالی ترین مقام رسمی دولتی، تصویب معاهده ای که قاعده ای شبیه عرف مورد نظر دارد و یا تمایل به تصویب قطعنامه مجمع عمومی را لازم می دانند^{۲۷}. اما در مورد شرایط لازم برای استناد به چنین شواهدی توافقی وجود ندارد.

علاوه بر این، چگونه می توان تبدیل خود به خودی یک قاعده رفتاری ارادی به تعهد الزام آور قانونی را به صورت قابل قبول توضیح داد. عنصر معنوی را جزء روانی عرف می دانند چون به دیدگاه دولت ها نسبت به یک قاعده رفتاری اشاره می کند. عنصر معنوی ایده ای راز آلود است زیرا تعهد قانونی از اعتقاد دولت به وجود تعهد قانونی ناشی می شود. عنصر معنوی نمونه ای از بیشمار تناقضات حقوق بین المللی است که ساخته ذهن اساتید و نظریه پردازان این رشته می باشد. همانطور که دیدید این عنصر نمی تواند توضیح دهد چگونه یک رویه شایع و یکسان تبدیل به یک قانون بین المللی می شود. در نگاه سنتی و قدیمی به عرف مسائلی که اشاره کردیم بحث های بی پایانی در مورد تعریف ها، اهمیت رویه، عنصر معنوی، و موضوعات فکری دیگر ایجاد کرده است. گرچه در

جانبه را نشان دهنده عرف دانسته اند. واقعیت این است که کسانی که عرف ها را مطالعه یا آنها بکار می بندند یعنی دادگاه ها، داوران، دیپلمات ها، سیاست مدارن و محققین از این منابع به صورت گزینشی استفاده می کنند.

دوماً چه میزان شیوع و یکسان بودن رویه دولت ها لازم است؟ در تئوری رویه ای را شایع می دانند که رویه همه یا تقریباً تمام دولت های جهان باشد. ولی در عمل احراز قبول رویه از طرف تمام ۱۹۵ کشور یا تقریباً همه آنها امکان پذیر نیست. پس، مبنای حقوق بین الملل عرفی بررسی کاملاً گزینشی رفتار دولت ها بخصوص قدرت های بزرگ و دولت های ذینفع در آن مسئله عرفی است^{۲۴}. شواهد نشان می دهد هر روز بیشتر از گذشته محققین و دادگاه ها از شرط رویه بودن در بین دولت ها عدول می کنند^{۲۵}. مثلاً آنها ممنوعیت شکنجه در حقوق بین الملل را یک عرف بین المللی می دانند و همزمان قبول می کنند بسیاری از کشورهای دنیا شهروندان خود را شکنجه می کنند. لذا می توان گفت در شرط رویه بودن بین دولتها هیچ شفافیتی در مورد مدت زمان عمل به عرف و تعداد دولت های عمل کننده به آن وجود ندارد.

تناقضات عنصر معنوی بیشتر از عنصر مادی است. اغلب اساتید و دادگاه ها وجود یک قاعده رفتاری شایع را دلیلی بر وجود عنصر معنوی می دانند^{۲۶}. اما چنین استنباطی عنصر

²⁶-Brownlie, Ian: Principles of Public International Law, 4th edition, (New York: Oxford University Press, 1960): 7-9

²⁷-Ibid

²⁴-Wolfke, Karol: Custom in Present International Law. (Poland, Prace 1964), 81-82; Charney, Jonathan I: Universal International Law, (Cambridge University Press, Published online, 2017), 529.

²⁵-Bradley, Curtis A., and Jack L. Goldsmith: Customary International Law as Federal Common Law: A Critique of the Modern Position, Harvard Law Review, Vol. 110, (1997): 839-40

تغییر غیر قانونی است چون لازم است کشورهای زیادی شروع به فاصله گرفتن از قانون قبلی لازم الاجرا کنند. دیدگاه سنتی نمی تواند دلیل تغییر حقوق بین الملل عرفی با تغییر نسبت قدرت دولت ها، پیشرفت تکنولوژی، و سایر نیروهای بیرونی را توضیح دهد. همچنین نگاه سنتی نمی تواند این واقعیت که دولت ها مرتباً، اغلب در بازه های زمانی کوتاه، نظر خود را راجع به محتوای عرف های بین المللی را تغییر می دهند را توضیح دهد. این نگاه نمی تواند این مسئله را توضیح دهد که چرا دادگاه های داخلی و سیاست مداران تقریباً همیشه مفهومی از عرف ها را قبول می کنند که کاملاً به سود کشور خودشان است. علاوه بر این، نگاه سنتی نمی تواند توضیح دهد که چرا دولت ها اغلب اعلام می کنند از عرف خاصی اطاعت خواهند کرد ولی بعداً به قول خود عمل نمی کنند.

سرانجام، نگاه سنتی نمی تواند علت اطاعت دولت ها از عرف ها را بیان کنند. برخی دلیل این اطاعت را «احساس وظیفه قانونی»^{۳۰} می دانند، اما «احساس وظیفه قانونی» چیزی نیازمند توضیح است و خودش نمی تواند توضیح باشد. بعضی هم دلیل آنرا رضایت می دانند، اما همانطور که خیلی ها گفته اند، باز این سوال بی پاسخ می ماند که چرا دولت ها از قوانین بین المللی که به آنها رضایت داده اند اطاعت می کنند^{۳۱}.

تحلیل حاضر به این بحث ها اشاره هایی می کنیم ولی بر آنها تمرکز نمی کنیم. بجای آن بر مسائلی متمرکز می شویم که مواضع نگاه سنتی نسبت به آنها غیر قابل قبول یا ناتوان از توضیح واقعیت های بین المللی است. اولین دسته از این مسائل فرضیات بیان نشده ای هستند که اساس نگاه سنتی به عرف را تشکیل می دهند. گرچه در بین طرفداران این نگاه اختلافات زیادی وجود دارد، ولی تقریباً همه آنها عرف های بین المللی را یکسان، جهانی و برون زا می دانند. منظور از یکسان بودن همان یک شکل بودن منطقی همه رفتارهای مشخص شده بوسیله یک عرف بین المللی می باشد. جهانی بودن به معنی لازم الاجرا بودن حقوق بین الملل عرفی نسبت به تمام کشورهای دنیا به غیر از آنهایی که اعتراض مستمر خود را در طول شکل گیری عرف اعلام کرده اند می باشد^{۲۸}. و برونزا بودن حقوق بین الملل عرفی به معنی تاثیر گذاری خارجی آن بر رفتار دولت ها است. ما هیچکدام از این فرضیات را قبول نداشته و آنها را به چالش خواهیم کشید.

دومین دسته از این مسائل به ناتوانی نگاه سنتی در توضیح رفتار بین المللی بر می گردد. این نگاه نمی تواند نحوه ظهور عرف از بی نظمی یا تغییر آن در طول زمان را توضیح دهد^{۲۹}. مثلاً، عرف حاکم بر صلاحیت یک دولت به سواحل خود، از قانون برد گلوله توپ (۳ مایل) و سپس با شروط فراوانی به ۱۲ مایل تغییر یافته است. در دید سنتی فرآیند

³⁰-Sense of legal obligation

³¹-Brierly, James Leslie, *The Law of Nations: An Introduction to the International Law of Peace*, (Oxford: Clarendon Press, 1963), 46-54

²⁸-Restatement (Third) of Foreign Relations Law, , (Philadelphia: The American Law Institute, 1987), 102, comment d

²⁹-D'Amato, Anthony A: *The Concept of Special Custom in International Law*, Faculty Working Paper s, (Northwestern University School of Law, 2010), 2

خارجی بر رفتار کشورها ندارد و چگونه منافع و قدرت کشورها باعث رعایت شدن مقررات مختلف حقوق بین الملل می شوند.

۲) بدنه تحلیل

فرض کنید دو کشور الف و ب مرزی را در بین خود رعایت می کنند. آموزه های سنتی دلیل رعایت شدن این مرز را الزامات و مقررات حقوق بین الملل می داند. ممنوعیت تجاوز به سرزمین کشورها در اسناد مختلفی آمده ولی می توان گفت مهمترین جلوه گاه آن بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل می باشد. بر اساس این بند همه اعضاء سازمان ملل در روابط بین المللی خود باید از تهدید یا توسل به زور یا هر روش متعارض با اهداف سازمان ملل علیه تمامیت ارضی ۳۹ و استقلال سیاسی هر دولت دیگر خودداری کند. نگاه سنتی معتقد است چنین مقرراتی مانع از تجاوز یک دولت به سرزمین دولت می شود و به عبارت دیگر چنین مقررات بین المللی از بیرون بر رفتار دولت ها در ارتباط با رعایت مرز تاثیر می گذارد. اما به اعتقاد ما آنچه باعث رعایت شدن این مرز در روابط دو دولت می شود قرار گرفتن آنها در یکی از چهار وضعیت ذیل و گاهی ترکیبی از آنها است. به عبارت دیگر تعامل پویای دولت ها باعث رعایت شدن این مرز می شود و

یک نظریه برجسته در حقوق طبیعی معتقد است «دولت ها عرف ها را رعایت می کنند چون قانون و کلیت آن را قانونی می دانند»^{۳۲}. تئوری دیگر تکرار اطاعت از حقوق بین الملل (از جمله عرف های بین المللی) را باعث شکل گیری تدریجی عادت به اطاعت از حقوق بین الملل می داند، چون حقوق بین الملل به سیستم حقوق داخلی نفوذ و بخشی از مجموعه ارزش داخلی کشور می شود^{۳۳}. نظریه دیگری، با قبول ایده رفتار منفعت طلبانه دولت، اطاعت از حقوق بین الملل را بیشتر مربوط به اخلاق، عادت و اجبار ناشی از اطاعت مستمر می داند^{۳۴}. بنظر ما «روش قانونی»^{۳۵}، «مجموعه ارزش»^{۳۶}، «عادت»^{۳۷} و «اخلاق»^{۳۸} جایگزین عنصر معنوی شده اند و نمی توانند علت اطاعت دولت ها از عرف های بین المللی را توضیح دهند. تئوری های زیاد دیگری در مورد علت اطاعت از حقوق بین الملل وجود دارند ولی همه آنها از مشکلات مشابهی رنج می برند. اکنون برای پاسخ دادن به این سوالات می خواهیم چارچوبی طراحی کنیم که در قالب آن به دو مولفه تاثیر گذار در حقوق بین الملل یعنی منافع و میزان قدرت کشورها بیشترین اهمیت و جایگاه را خواهیم داد. این دو مولفه مهم بیشترین تاثیر بر رفتار دولت ها دارد. رفتارهایی که به نوعی به حقوق بین الملل ارتباط دارند. در قالب این تحلیل نشان می دهیم چگونه قواعد حقوق بین الملل تاثیر

35-Right process

36-Value Set

37-Habit

38-Morality

44-Territorial integrity

32-Franck, Thomas M: The Power of Legitimacy among Nations, (New York: Oxford University Press, 1990), 24-25

33-Koh, Harald Hongju: 2603

34-Henkin, Louis: How Nations Behave, Review Essay, By Abram Chayes" and Antonia Handler Chayes. The Yale Law Journal, 2600, Vol. 106: 2599, (1996)

در عمق کشور ب تفاوتی ندارد. شاید سرزمین بیشتر به نفع دولت الف باشد اما هزینه های خود را خواهد داشت. دو دولت به دنبال اجتناب از جنگ هستند و برای برنامه ریزی صرفاً نیازمند نقطه ای هستند که در آنجا کنترل یک دولت پایان و کنترل دولت دیگر شروع می شود. بمحض توافق بر سر مرز هر دو دولت آنرا رعایت خواهند کرد زیرا تجاوز از مرز باعث جنگ می شود^{۴۳}.

سومین دلیل رعایت این مرز می تواند همکاری^{۴۴} باشد. نفع هر دو دولت در بدست آوردن قسمتی از سرزمین دولت مقابل است. ولی هر دو دولت می دانند نتیجه تلاش برای سرزمین بیشتر مقاومت دولت مقابل، از بین رفتن پرهزینه روابط و احتمالاً جنگ است، نتیجه ای که هیچ کدام از طرفین علاقه ای به آن ندارند. لذا دولت ها با در نظر گرفتن منافع و قدرت خود در مورد مرزی (بصورت صریح یا ضمنی) توافق کرده و هر دو با تهدید به عکس العمل، مرز را حفظ می کنند. در این نوع هماهنگی، دولت ها متقابلاً از بعضی کارها (اینجا حمله یا تجاوز) که نفع کوتاه مدت آنها در آن است

قاعده ممنوعیت تجاوز هیچ تاثیری خارجی بر رفتار عدم تجاوز به تمامیت ارضی سایر کشورها ندارد.

اول، این دو دولت در این مرز فرضی ممکن است در وضعیت انطباق منافع^{۴۰} باشند. در این وضعیت انتخاب یک دولت بر اساس منافع خود بدون توجه به رفتار دولت مقابل رعایت قاعده (ممنوع بون تجاوز مرزی) است. مثلاً در این قسمت از مرز الف به سختی سرزمین خود را کنترل می کند و تمایلی به سرزمین اضافی در دولت ب ندارد. وضعیت ب هم به همین صورت است. لذا الف و ب مستقلاً و بدون توجه به رفتار هم عدم تجاوز مرزی را انتخاب می کنند^{۴۱}.

دوم، ممکن است دو دولت در این مرز در وضعیت هماهنگی^{۴۲} باشند. در وضعیت هماهنگی، دولت ها از رفتار مشابه و یکسان (اینجا رعایت قاعده) بیشتر سود می کنند تا رفتار نامشابه و متفاوت. راندگی مثالی کلاسیک برای وضعیت هماهنگی در زندگی روزمره است: نفع همه در این است که همگی از سمت راست حرکت کنند یا از سمت چپ. در این مثال برای دولت الف مرز حاضر و مرز دیگر فراتر از این مرز و

است که تا حدود زیادی به جنگ های ۱۵۰ ساله ایران و عثمانی پایان داد. مهمترین قرارداد مرزی بین دو کشور عهدنامه ارزنه الروم (۱۸۳۱م۱۸۴۷) است که با تلاش های امیر کبیر بین محمد شاه و سلطان عبد الحمید امضاء شد. در این عهدنامه دو دولت مصالحه های زیادی انجام دادند. دولت ایران از ادعای خود نسبت به مناطق غربی زهاب دست برداشته و حاکمیت عثمانی بر سلیمانیه را برسمیت شناخت در عوض دولت عثمانی نیز حق ایران نسبت به کشتیرانی در اروندرود را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۱۳ طی پروتکلی مرز دو کشور تحدید و کاملاً مشخص شد. از این تاریخ تاکنون دو کشور در مرز هماهنگ عمل کرده و به ندرت درگیری مرزی داشته اند. به عبارت دیگر می توان گفت دلیل رعایت شدن مرز در اینجا آن است که بعد از تحولات اساسی در اوضاع و احوال پیرامونی نفع هر دو کشور در مشخص و شفاف شدن مرز بوده است و دو دولت بمحض مشخص و شفاف شدن مرز نفعی در تجاوز مرزی نداشته و انتخابشان رعایت قاعده تمامیت سرزمینی هم بوده است.

⁴⁴-Cooperation

⁴⁰-Coincidence of interest

^{۴۱}-به مرز ایران و پاکستان دقت کنید رعایت شدن این مرز با الگوی انطباق منافع قابل توضیح است. قلمرو هر دو کشور در این منطقه بی ثبات، پر آشوب و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی دچار فقر و مشکلات است. قاچاق غیر قابل کنترل، ترانزیت مواد مخدر، وجود اقوام و مذاهب مختلف و از همه بدتر حضور گروه های تروریستی در دو سوی مرز باعث شده هیچکدام از دولت ها در این منطقه علاقه ای به سرزمین بیشتر نداشته باشند و مستقلاً و بدون توجه به رفتار دولت مقابل رعایت قاعده یعنی عدم تجاوز مرزی را انتخاب کنند. اینکه هیچ وقت قرارداد مرزی رسمی بین دو کشور وجود نداشته خود تاییدی بر این ادعاه است.

⁴²-Coordination

^{۴۳}-وضعیت مرز ایران و ترکیه نیز از مدل هماهنگی پیروی می کند. شالوده مرز این دو کشور عهدنامه زهاب (۱۷ می ۱۶۳۹) بین امپراطوری عثمانی و دولت صفوی

به معنی کم دانستن امکان تعامل بین المللی نیست. برعکس این مدل‌ها با فراهم کردن چهارچوبی ساده و مفید باعث درک طیف وسیعی از نظام‌های حقوق بین الملل می‌شوند. همانطور که در سراسر تحلیل خواهید دید ویژگی‌های خاص هر مدل ثبات و مفید بودن آنها را بسته به شرایط کم یا زیاد می‌کند. اما، رویهم رفته این چهار مدل بهتر از تحلیل‌های قدیمی، رفتار مرتبط با حقوقی بین الملل دولت‌ها را توضیح می‌دهند. دیدگاه‌های قدیمی حقوق بین الملل را بالاتر از منافع دولتها دانسته و معتقدند این حقوق در صورت لزوم دولت‌ها را مجبور می‌کند تا خلاف منافع خود رفتار کند. ما جهت این رابطه را خلاف این می‌دانیم. دولت‌ها در صحنه بین المللی با تعقیب کردن سیاست‌های منفعت‌جویانه خود حقوق بین الملل را بوجود می‌آورند. یعنی حقوق بین الملل از درون منافع دولت‌ها زاده می‌شود. حقوق بین الملل بالاتر از منافع دولتها نیست بلکه محصول منافع دولتها است. این بمعنی بی‌ارزش، نامربوط و یا غیر واقعی دانستن حقوق بین الملل نیست. حقوق بین الملل، بخصوص معاهدات، در تعاملات بین المللی با تعیین کاری که همکاری یا هماهنگی

خودداری می‌کنند تا به منافع میان مدت یا بلند مدت بیشتری دست پیدا کنند^{۴۵}.

آخرین دلیل احتمالی اجبار ۴۶ است. دولت الف از مرز حاضر راضی است ولی دولت ب تمایل به گسترش سرزمین خود با پیش روی در سرزمین دولت الف دارد. اگر دولت ب به اندازه کافی قوی باشد می‌تواند مرز جدید را تحمیل کند. چون دولت الف ضعیف است و نفع دولت ب حتی با در نظر گرفتن مقاومت دولت الف در سرزمین بیشتر است، سرانجام دولت الف (قبل یا بعد از جنگ) تسلیم و نهایتاً مرز جدید به وجود می‌آید. دولت‌های دیگر هم شاید اعتراض کنند و شاید هم اعتراض نکنند؛ ممکن است مرز جدید بنفع آنها باشد یا توان مقاومت در برابر آن را نداشته باشند. اجبار زمانی اتفاق می‌افتد که یک دولت قوی (یا ائتلافی از دولت‌های دارای منافع مشترک) دولت ضعیف را وادار به کاری خلاف منافع خود (منافع بدون در نظر گرفتن اجبار) می‌کند^{۴۷}.

با این چهار مدل یا با ترکیبی از آنها می‌توانیم رفتارهای حقوقی بین المللی دولتها را توضیح دهیم. البته این

۴۵- رعایت شدن مرز ایران و عراق در زمان صدام قبل و بعد از جنگ ۸ ساله با الگوی همکاری قابل توضیح است. اختلافات مرزی ایران ریشه در معاهدات و قراردادهایی دارد که در زمان امپراطوری عثمانی بین این دولت و دولت ایران منعقد شده است. مهمترین زمینه اختلاف بین دو کشور حاکمیت بر رودخانه اروند رود (شط العرب) بوده است. هر دو کشور نفع زیادی در حاکمیت و مالکیت بر این رودخانه و بندرسمت راست و چپ آن (خرمشهر و آبادان در ایران) و (فاو و بصره در عراق) دارند. ولی نتیجه دست اندازی همیشه جنگ و درگیری شدید بوده است. تا مدت‌های

زیادی دولت عراق منکر هر نوع حقی برای دولت ایران در اروند رود بود ولی در سال ۱۹۷۵ بعد از جنگی کوتاه مدت بیابانه الجزایر بین دو کشور منعقد و دولت عراق خط تالوگ را در این رودخانه به عنوان خط مرزی قبول کرد. با این وجود مقررات حقوق بین الملل حتی توافقات و معاهدات هیچ‌گاه نتوانستند فی‌نفسه مانع از جنگ و درگیری بین دو کشور شوند. صدام در آغاز جنگ تحمیلی بیابانه الجزایر ۱۹۷۵ را در جلوی دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد. آنچه تا کنون باعث فروکش شدن جنگ بین دو کشور شده نه مقررات و توافقات بین المللی بلکه تحقق شرایط مربوط به وضعیت همکاری است. شرایط تحقق وضعیت همکاری را در آینده توضیح خواهیم داد ولی کل اشاره می‌کنیم که در وضعیت همکاری احترام به مرز وجود خواهد داشت ولی این احترام شکننده تر از وضعیت انطباق منافع یا هماهنگی خواهد بود. تغییر ناگهانی

46-Coercion

۴۷- عاده سه جزیره ابوموسی تنب بزرگ و تنب کوچک به ایران تا حدود زیادی با مدل اجبار هم خوانی دارد. اگرچه حاکمیت این جزایر از گذشته متعلق به ایران بوده ولی تسلط دوباره ایران بر این جزایر در سال ۱۹۷۰ در اثر برتری قدرت ایران بر شیخ نشین‌های امارات و البته سکوت و تا حدودی همکاری بریتانیا بود. به اعتقاد بسیاری این سکوت بریتانیا در نتیجه مصالحه و برسمیت شناختن استقلال بحرین از طرف ایران بود.

ضروری است که برای شفافیت بیشتر، این وضعیت ها را در بین دو دولت بررسی می کنیم ولی تقریباً در تمام موارد نتایج قابل تسری به رابطه بیش از دو دولت هم می باشد.

الف) انطباق منافع

در وضعیت انطباق منافع رعایت شدن قاعده رفتاری بین دو دولت نتیجه این است که انتخاب هر کدام از دولت ها بدون توجه به رفتار دولت مقابل رعایت قاعده است چون بیشترین سود ممکن برای آنها با رعایت قاعده فراهم می شود. جدول ذیل چنین وضعیتی را نشان می دهد.

دولت ب

	حمله نکردن	حمله
حمله نکردن	۳.۳	۲.۱
حمله	-۱.۲	-۲.۲

دولت الف

جدول ۱.۱ وضعیت دو دولت دشمن را نشان می دهد که کشتی های جنگی آنها در آب هایی که کشتی های صیادی هر دو آنها استفاده می کنند گشت می زنند. استفاده

محسوب می شوند، باعث رسیدن دولت ها به نتایج دو جانبه سودمند می شود. ولی بنظر ما حقوق بین الملل نمی تواند دولت ها را مجبور به اطلاعات از خود علی رغم مخالفت با منافع آنها کند و دست آوردهای حقوق بین الملل محدود به منافع و قدرت دولت ها است ۴۸. حال می خواهیم مدل های معرفی شده را در قالب تئوری انتخاب منطقی بیشتر باز کرده و توضیح دهیم.

الگوهای انتخاب منطقی در رعایت حقوق بین الملل

در این قسمت چهار وضعیت انطباق منافع، همکاری، هماهنگی و اجبار را با ذکر مثالی در قالب ماتریس سود های انتخاب منطقی بیشتر توضیح می دهیم. مثال قاعده عرفی بین المللی برای وضعیت های انطباق منافع و همکاری قاعده ای مربوط به جنگ های دریایی است. نگاه سنتی ممنوع بودن حمله، تعرض یا توقیف کشتی های صیادی ساحلی در جنگ های دریایی را یک عرف بین المللی لازم الاجرا می داند که طرفین جنگ از روی احساس تکلیف قانونی آنرا رعایت می کنند. قضیه مشهور پاکت هابانا ۴۹ که توسط دادگاه های داخلی آمریکا مورد رسیدگی قرار گرفته در ارتباط با همین مسئله است. این رای در حقوق بین الملل به این جهت اهمیت دارد که مراحل تبدیل رویه به عرف بین المللی و شرایط احراز آن مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است ۵۰. ذکر این نکته

۴۸-حمله روسیه به اکران که خلاف تمام قواعد ظاهری حقوق بین الملل از جمله لزوم احترام به تمامیت ارضی و استقلال کشورها بود دوباره نشان داد قواعد حقوق بین الملل نمی تواند دولت ها به خصوص دولت های قدرتمندی مانند روسیه را مجبور به اطاعت از خود علی رغم مخالفت با منافع آنها نماید.

۴۹-Paquete habana (1900)

۵۰-پاکت هابانا کشتی کوبایی بود که در زمان جنگ ایالات متحده آمریکا و اسپانیا توسط نیروی دریایی ایالات متحده توقیف و مصادره می شود. در زمان جنگ اسپانیا و آمریکا، کوبا مستعمره اسپانیا بود. مالکین کشتی با استناد به عرف ممنوع بودن توقیف کشتی های صیادی ساحلی در دادگاه های آمریکا علیه دولت و نیروی دریایی آمریکا شکایت می کنند. دادگاه بعد از مطالعه عمیقی که در مورد وجود و شرایط این عرف ادعایی بعمل می آورد نهایتاً به نفع مالکین کشتی رای صادر می کند.

ترتیب سود های دولت الف است دولت ب نیز همانند دولت الف از حمله به کشتی های صیادی دولت الف خودداری می کند. لذا در توازن ۵۱ هیچ دولتی به کشتی های صیادی دولت مقابل حمله نمی کند. توازن بمعنی ادامه یافتن رفتار حاضر تا زمان برهم نخوردن ترتیب سودهای موجود است. لذا در توازن، هر دو دولت قاعده رفتاری - در اینجا حمله نکردن به کشتی های صیادی - را رعایت می کنند.

انطباق منافع می تواند دلیل رعایت بسیاری از معاهدات از طرف دولت ها را توضیح دهد. اکثر معاهدات دولت ها را مجبور به کاری که بدون معاهده هم می کردند، نمی کند ۵۲. رعایت شدن بسیاری از قواعد عرفی بین المللی ریشه در انطباق منافع دارد. دولت ها ذاتاً بر اساس منافع خود رفتار می کنند. نتیجه رعایت یک عرفی بین المللی (مثلاً خودداری دولتها از جنگ) ممکن است از دور موافق نگاه سنتی به حقوق بین الملل باشد (یعنی اطاعت دولت ها از بعضی قوانین بین المللی را به ذهن متبادر کند)، ولی این درست مثل آن است که دولت ها کشتی های خود را غرق نکنند. در اینجا دولت هایی که مستقل از هم دنبال منافع خود هستند، رفتاری مشابه یا یکسان دارند که به ضرر هیچکدام از دولت ها نیست و انحراف از این رفتار سودی برای آنها ندارد.

ج) همکاری

وضعیت دیگری که دولت ها با قرار گرفتن در آن به رعایت قواعد و مقررات حقوق بین الملل هدایت می شوند همکاری

از کشتی های جنگی هزینه زیادی داشته و می توان از آنها بجای توقیف کشتی های صیادی در جای بهتری (مثلاً دفاع از کشور در برابر حمله) استفاده کرد و کشتی های صیادی هم ارزش چندانی ندارند. در نتیجه به نفع هر دولت است که به کشتی های ماهیگیری دولت مقابل حمله نکند (سود این کار برای هر دولت ۳ واحد است). هر دولت برای حمله به کشتی - های صیادی دولت دیگر باید ۴ واحد هزینه کند. پس آورده نهایی حمله به کشتی های صیادی برای دولت حمله کننده ۱- خواهد بود (۱- = ۳-۴). اگر کشتی های صیادی دولت حمله کننده متقابلاً مورد حمله واقع شود دولت حمله کننده یک واحد بیشتر متقبل هزینه می شود و آورد نهایی آن ۲- می شود (۲- = ۱- + ۱-). این در حالی است که دولتی که کشتی های آن مورد حمله قرار می گیرند ولی به کشتی های دولت مقابل حمله نمی کند فقط ۱ واحد ضرر می کند در نتیجه آورده نهایی آن دولت ۲+ می شود (۲- = ۱-۳).

برای درک بازی، ابتدا فرض کنید بازیگر اول (دولت ب) به کشتی های بازیگر دوم (دولت الف) حمله می کند. دولت الف از حمله نکردن به کشتی های صیادی دولت ب بیشتر سود (۲) می کند تا حمله و توقیف کردن آنها (۲-). حال فرض کنیم دولت ب به کشتی های دولت الف حمله نمی کند. دولت الف از حمله نکردن سود بیشتری (۳) بدست می آورد تا حمله کردن (۱-). در نتیجه دولت الف بدون اینکه توجهی به رفتار دولت ب داشته باشد به کشتی های صیادی دولت ب حمله نمی کند. چون ترتیب سودهای دولت ب همانند

52-See: Kenneth a. Oye: explaining cooperation under anarchy: Hypotheses and Strategies, World Politics, Vol. 38, No. 1, (1985), 1-24

51-Equilibrium

ارزان تر است، و کشتی های ماهیگیری ارزش غنیمت گرفتن دارند و ماهیگیری نقش مهمی در اقتصاد بازی می کند. اینجا نیز حمله نکردن به کشتی های ماهیگیری ۳ واحد سود دارد ولی برخلاف انطباق منافع که حمله ۴ واحد هزینه داشت، چون ائتلاف منابع نیروی دریایی بود، اینجا سود حمله به کشتی های صیادی ۱ واحد است. بنابراین به شرط عدم عکس العمل دولت مقابل آورده دولت حمله کننده از ۳ واحد به ۴ افزایش پیدا می کند. دولتی که مورد حمله واقع می شود ولی عکس العمل نشان نمی دهد ۲ واحد ضرر می کند و آورده آن به ۱ واحد کاهش می یابد. حمله و عکس العمل متقابل باعث می شود دولت ها فقط یک واحد ضرر کرده و آورده آنها ۲ واحد باشد. بیشترین سود دوجانبه در رفتار حمله نکردن/حمله نکردن است. با این وجود رفتار حمله/حمله نکردن بیشترین آورده را برای دولت حمله کننده در بر دارد. لذا معمولاً از ترس تقلب دولت ها رفتار حمله/حمله را انتخاب می کنند. این یک معمای زندانی بین دو دولت است و ممکن است

است. در تئوری انتخاب منطقی وضعیت همکاری در قالب تکرار بازی دو جانبه معمای زندانی ۵۳ توضیح داده می شود ۵۴. جدول ذیل شرح وضعیت همکاری در رعایت قاعده عدم حمله به کشتی های صیادی است.

دولت ب

	حمله نکردن	حمله
حمله نکردن	۱،۴	۳،۳
حمله	۲،۲	۴،۱

دولت الف

مثال انطباق منافع در عدم حمله و تعرض به کشتی های صیادی را به خاطر بیاورید. در این وضعیت منابع نیروی دریایی پرارزش و کشتی های ماهیگیری برای دشمن کم ارزش بودند و ماهیگیری نقش ناچیزی در اقتصاد کشور دشمن داشت. اما در وضعیت همکاری منابع نیروی دریایی

زندانی	لودادن	۰،۳	۲،۲
الف			

در این بازی بیشترین سود (آزاد شدن) را متهمی می برد که در مقابل سکوت دوستش او را لو می دهد. بیشترین ضرر (۳ سال حبس) را کسی می بیند که در مقابل لو دادن، سکوت می کند. لو دادن همزمان (عدم همکاری) یکدیگر باعث می شود مجازات آنها به ۲ سال حبس کاهش پیدا کند. ولی سکوت همزمان (همکاری) مجازات آنها را به یک سال حبس کاهش می دهد. رفتار بهینه برای هر دو متهم رفتار سکوت/سکوت است چون در این حالت هر دو به بیشترین سود دوجانبه امکان پذیر می رسند. معمولاً در دور اول حل این معما با شکست مواجه می شود چون هر دو متهم از ترس تقلب، طرف مقابل را لو می دهد. ولی تکرار شدن بازی می تواند به حل شدن معما و ظهور همکاری و رفتار بهینه (سکوت/سکوت) بین دو متهم منجر شود. در اینجا منظور ما از همکاری سکوت و منظور از عدم همکاری لو دادن است. توجه داشته باشیم در صورت اتخاذ رفتار بهینه (سکوت/سکوت) در هر دور بعدی امکان تقلب از طرف یکی از بازیگران یا هر دو آنها نیز سر جای خود باقی است. به این جهت عرف ها یا مقررات بین المللی که رعایت شدن آنها مبتنی بر همکاری است همیشه در معرض نقض شدن یا عدم رعایت هستند.

53- Repeated bilateral prisoner's dilemma

۵۴ - دو نفر را در نظر بگیرید که با مشارکت هم جرمی انجام داده و دستگیر شده اند. این دو بعد از بازداشت در دو سلول جدا و بدون ارتباط با هم نگهداری و مورد بازجویی قرار می گیرند. بازجو به هر یک از آنها معامله ای پیشنهاد می دهد: الف) اگر دوستت را لو بدهی به شرط اینکه دوستت سکوت کرده و تو را لو ندهد تو آزاد می شوی ولی دوستت به ۳ سال زندان محکوم می شود. ب) اگر همزمان یکدیگر را لو بدهید هر کدام به ۲ سال زندان محکوم می شوید ج) اگر هر دو سکوت کرده و یکدیگر را لو ندهید هر دو باید ۱ سال حبس تحمل کنید. ماتریس سودهای این دو زندانی در جدول ذیل آمده است.

	لو دادن	سکوت
لو دادن	۳،۰	۱،۱
سکوت	۰،۳	۲،۲

آن جاسوس هستند یا می توانند مکان نیروی دریایی دشمن را به نیروهای خودی گزارش دهند؟. این ابهامات توازن بهینه واحد را از بین برده و دائم عرف های بین المللی را ضعیف می کند لذا دولت ها برای شفاف کردن عرف های بین المللی به استفاده از معاهدات ترغیب می شوند.

دوم؛ بازیگران به اندازه کافی ثبات رفتاری داشته باشند؛ یعنی بیشتر از حال بفرآیند باشند. ثبات رفتاری در افراد تکانشی ۵۵ یا ناصبور یا افراد بی توجه به آینده کم است. این اشخاص نمی توانند به همکاری با دیگران ادامه دهند چون نمی توانند نفع بلند مدت کنترل رفتار بر نفع کوتاه مدت تقلب ترجیح دهند. در صحنه بین المللی دولت های چموش همانند اشخاص تکانشی هستند. دولت های چموش دولت هایی هستند که کنترل آنها در دست رهبران تکانشی یا غیر منطقی است یا سیستم سیاسی آنها ناپایدار است یا مردم آن خواسته های پایداری ندارند. ولی دولتی که نهادهای آن می توانند خواسته های مردم را استخراج و در طول زمان رعایت کنند (این باعث می شود دولت جدید نتواند زیاد از سیاست های خارجی دولت قدیم فاصله بگیرد) و دولتی که مردم آن به منافع آینده توجه دارند را می توان دولتی با ثبات رفتاری بالا دانست.

سوم؛ بازی باید به صورت نامحدود ادامه داشته باشد، یعنی بازیگران انتظار داشته باشند بازی هیچ وقت تمام نشود یا احتمال پایان یافتن آن را کم بدانند. چهارم؛ سود عدم همکاری نباید از سود همکاری زیاد باشد. چون ممکن است

تکرار آن در دوری حل و انتخاب رفتار حمله نکردن/ حمله نکردن (رعایت قاعده) به بار آورد.

رفتار بهینه (اینجا حمله نکردن/حمله نکردن) با تکرار نامحدود معمای زندانی می تواند در هر دوری از بازی ظهور یابد. هر دولتی که انتظار تعامل در طول زمان را دارد می تواند این راهبرد را انتخاب کنند. تا وقتی در دوره n حمله ای نبوده باشد (یعنی همکاری) در دوره $n+1$ به کشتی های ماهیگیری دولت مقابل حمله نکند. اگر دولتی در زمان n حمله کند (یعنی تقلب)، قربانی در زمان $n+1$ یا هیچ دور دیگری همکاری نمی کند. این راهبرد و راهبردهای مشابه با فراهم شدن چهار شرط ذیل در طول زمان می توانند همکاری را بوجود آورند.

یک؛ طرفین باید بدانند چه چیزی همکاری و چه چیزی تقلب است. اینجا حمله نکردن به کشتی های صیادی همکاری و حمله به کشتی های صیادی تقلب است. دنیای واقعی بسیار پیچیده تر از این است. مثلاً عرف بین المللی فقط شامل کشتی های ماهیگیری کوچک است، اما کدام کشتی بزرگ و کدام کشتی کوچک است؟ همچنین این عرف فقط شامل کشتی های ماهیگیری ساحلی است، اما در چه نقطه ای از یک اقیانوس ساحل تمام شده و آب های عمیق شروع می شوند؟ این عرف به دولت ها اجازه می دهد یک کشتی صیادی که تهدید محسوب می شود را هدف قرار دهند، ولی چه چیزی را می توان تهدید محسوب کرد؟ یک کشتی که در حال حمل تسلیحات از جایی به جای دیگر است؟ یک کشتی که ملوانان

هر دولت با انتخاب رفتار X از طرف دولت مقابل ترجیح می دهد رفتار X را انتخاب کند و با انتخاب رفتار Y از طرف دولت مقابل ترجیح می دهد رفتار Y را انتخاب کند. دو توازن بهینه وجود دارد: [X,X] و [Y,Y]. دولت ها بعد از هماهنگ شدن در یک رفتار، هیچکدام از آن منحرف نمی شوند. مسئله مهم حرکت اول است. اگر دولت الف نداند که دولت ب X را انتخاب می کند یا Y را، در انتخاب X یا Y خواهد ماند. دو دولت با انتخاب تصادفی ۵۶ حرکت اول یا حرکت بعدی به توازنی آشفته می رسند، توازنی که در آن به سود کامل هماهنگی نمی رسند ۵۷.

به شکل ذیر توجه کنید. این مثالی است که قبلاً برای توضیح هماهنگی آوردیم. فرض کنید سرزمین دو کشور الف و ب در حالت کلی یک دایره کامل باشد. چون رودخانه و جاده هر دو از مرکز دایره رد می شوند همانند قطره های یک دایره این سرزمین واحد را تقریباً به دو قسمت مساوی تقسیم می کنند. فرض کنید X گشت زنی تا رودخانه و Y گشت زنی تا جاده باشد. چنانچه ملاحظه می کنید جاده و رودخانه یکدیگر را قطع ولی هر دو قلمرو این دو کشور را به صورت مساوی تقسیم می کنند. برای این دو کشور فرقی نمی کند رودخانه مرز باشد یا جاده و به دنبال جلوگیری از درگیری بین نیروهای گشتی هستند. با پذیرفته شدن رفتار X (یا Y) به عنوان توازن هیچکدام از دولت ها تمایل به ترک آن نخواهد داشت. برای درک علت این کار، فرض کنید دولت الف می

سود در طول زمان تغییر کند، امکان دارد یک رابطه برای مدتی ادامه داشته باشد و سپس، بعد از یک تغییر ناگهانی در سود، فرو بپاشد. معمای دوجانبه زندانی در صورتی می تواند حل و به نتیجه ای با سود مشترک بینجامد که شرایط فوق وجود داشته باشد. در مقابل انطباق منافع فارغ از اینکه شرایط فوق وجود داشته باشد یا نه به نتیجه دوجانبه سودمند می انجامد.

(د) هماهنگی

چهارمین وضعیتی که دولت ها در آن قرار گرفته و حقوق بین الملل را رعایت می کنند هماهنگی است. در شکل ساده این بازی شبیه انطباق منافع، دولت ها منافع یکسانی دارند، ولی بر خلاف انطباق منافع، بهترین رفتاری که هر دولت می تواند داشته باشد وابسته به رفتار دولت مقابل است.

دولت الف

	رفتار X	رفتار Y
رفتار X	۳،۳	۰،۰
رفتار Y	۰،۰	۳،۳

دولت ب

57-Baird, Douglas G., Robert H. Gertner, and Randal C. Picker: Game Theory and the Law. (Cambridge, Harvard University Press, 1992), 37-39

56-Random

استانداردها می تواند برای بعضی کشورها بیشتر از استانداردهای دیگر است. گرچه دولت ها با استفاده از معاهده می توانند در یکی از توازن ها هماهنگ شوند، اما دولتی که توازن دیگر را ترجیح می دهد این انگیزه را دارد که با عدم رعایت گاه به گاه معاهده توازن جاری را تحلیل ببرد به این امید که دیگر دولت ها را مجبور به جایگزین کردن توازن دلخواه خود کند.

جدول ماتریکس همکاری از نوع بازی زن و شوهر در پایین آورده شده است. در این مثال با انتخاب رود به عنوان مرز سود کامل نصیب دولت الف می شود و برعکس با انتخاب جاده به عنوان مرز سود کامل نصیب دولت ب می شود. با این وجود به نفع هر دولت است که در مورد یکی از این توازن ها هماهنگ شوند. اگر معاهده و گفتگو بین کشورها اتفاق نیافتد حل شدن این نوع مسائل هماهنگی با مشکل مواجه می شود. رفتارهای [X,X] و [Y,Y] هر دو می توانند توازن باشند: به شرطی که با انتخاب X از طرف دولت الف، دولت ب انتخاب بهتری جزء گزینه X نداشته باشد و زمانی که دولت ب Y را انتخاب

داند دولت ب رفتار X را انتخاب می کند. در نتیجه دولت الف بهترین بازده را زمانی به دست می آورد که او نیز به جای Y رفتار X را انتخاب کند. در عوض اگر دولت الف بداند که دولت ب Y را انتخاب می کند بهترین بازده را زمانی بدست می آورد که به جای X رفتار Y را انتخاب کند. این بازی از نوع بازی هماهنگی ساده است و معمولاً ثبات بیشتری از انواع دیگر هماهنگی ها دارد.

اما گاهی واریانس بازی هماهنگی زیاد است. یعنی دو طرف توازنی را به توازن دیگر ترجیح می دهند. مثلاً هر دو دولت جاده را مرز بهتری می دانند. در اینجا باز هماهنگی آسان است. اما گاهی یک دولت در توازنی نفع بیشتر و دولت دیگر در توازنی دیگر نفع بیشتر دارد. مثلاً ترجیح دولت الف رود است و ترجیح دولت ب جاده است. البته باز هر دو دولت از اینکه یا رود یا جاده مرز باشد سود می برند. اینجا هماهنگی سخت تر و شکننده تر می شود. این همان بازی نبرد زن و شوهر ۵۸ است ۵۹. معاهده ای که در مورد ارتباطات بی سیم بسته می شود را می توان یک بازی از نوع بازی زن و شوهر دانست چون همه کشورها هماهنگی در مورد یک استاندارد را بهتر از هیچ نوع هماهنگی می دانند ولی سود بعضی

	بوکس	خرید
بوکس	۳.۲	۰.۰
خرید	۰.۰	۲.۳

58-Battle of sexes

59 -بازی زن و شوهر یک بازی با دو بازیگر است. در این بازی یک زن و شوهر در مورد کاری که آخر هفته باید انجام دهند صحبت می کنند. هم زن و هم شوهر می خواهند تعطیلات را با هم سپری کنند، اما در مورد جایی که باید بروند توافق ندارند. مرد ترجیح می دهد به تماشای یک مسابقه بوکس بروند در حالی که زن ترجیح می دهد به خرید بروند. چون زن و شوهر دوست دارند وقت خود را با هم سپری کنند اگر به جاهای متفاوت بروند سودی به دست نمی آورند (مجموعه سود ۰/۰ خواهد بود). اما در صورتی که باهم به بوکس یا خرید بروند هر دو از کنار هم بودن سود خواهند برد ولی یکی از آنها لذت بیشتری خواهد برد. جدول توزیع سود برای چنین بازی به شرح ذیل می تواند باشد.

زن

وضعیت آخری که دولت ها با قرار گرفتن در آن حقوق بین الملل را رعایت می کنند اجبار است. یک دولت، یا ائتلافی از دولت های دارای منافع یکسان، دولت های دیگر را مجبور به رفتاری هم راستا با منافع خود می کنند. برای درک این وضعیت تصور کنید یک دولت بزرگ و قوی می تواند دولت ضعیف یا کوچکی که رفتار x دارد را تهدید به تنبیه یا مجازات کند. تنبیه دولت کوچک هزینه چندان ندارد. بنابراین دولت کوچک رفتار x را ترک می کند یا ترک نمی کند، و در جواب دولت بزرگ دولت کوچک را تنبیه می کند یا تنبیه نمی کند. سپس بازی خود به خود تکرار می شود. سود دولت بزرگ در ترک رفتار x از طرف دولت کوچک است. سود دولت کوچک در ترک رفتار x و تنبیه نشدن است. در توازن دولت بزرگ تهدید می کند، دولت کوچک رفتار x را ترک می کند، و بوسیله دولت بزرگ تنبیه نمی شود. تهدید به تنبیه زمانی اثر گذار است که تنبیه دولت ضعیف هزینه چندان نداشته باشد.

مثالاً فرض کنید دولت قوی الف می خواهد دولت ضعیف ب را از فعالیت مربوط به اشاعه سلاح های اتمی باز دارد. دولت الف تهدید می کند در صورت عدم توقف این فعالیت ها علیه دولت ب اقدام نظامی انجام خواهد داد. اگر دولت الف در این تهدید خود جدی باشد و هزینه این کار برای او ناچیز باشد، این تهدید موثر واقع شده و دولت ب دست از فعالیت های مغایر با ممنوعیت اشاعه سلاح های هسته ای دست بر خواهد داشت. کسانی که از دور نگاه می کنند یک قاعده رفتاری خواهند دید که در آن دولت الف و ب به قاعده ممنوعیت گسترش سلاح های اتمی پایبندند. اما در واقع این نظم حاصل زور یا تهدید به زور است و خود قاعده ممنوعیت گسترش سلاح های اتمی تأثیری بر رفتار دولت های مذکور بخصوص دولت ب نداشته است.

می کند دولت الف گزینه بهتری جزء γ نداشته باشد علی رغم اینکه ترجیح دولت الف $[X, X]$ و ترجیح دولت ب $[\gamma, \gamma]$ است.

دولت ب

	رفتار X	رفتار γ
رفتار X	۳،۲	۰،۰
رفتار γ	۰،۰	۲،۳

دولت الف

در چنین مواردی عرف های بین المللی می توانند مفید واقع شوند. ذات عرف تکرار است تکرار شدن بازی باعث می شود دولت ها در توازنی هماهنگ شده و آنرا ادامه دهند. البته این نتیجه در هماهنگی ساده دارای ثبات بیشتری است. در بازی زن و شوهر دولتی که مطلوبیت کمتری به دست آورده است این انگیزه را دارد که با تخطی، توازن را بهم بزند. اگر توازن موجود $[X, X]$ باشد ولی دولت ب نگاه بلند مدت داشته باشد ممکن است انتخاب قبلی را ترک و γ را انتخاب کند به این امید که الف نیز انتخاب خود را به γ تغییر دهد. اگر دولت ب قدرت کافی را داشته باشد ممکن است بعد از یک دوره شکست در هماهنگی الف انتخاب خود را از X به γ تغییر داده و توازن جدید بوجود آید. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت عرف بین المللی که بازی نبرد زن و شوهر را حل می کند در مقایسه با عرفی که بازی هماهنگی ساده را حل می کند ضعیف تر (بیشتر نقض می شود) و بیشتر مستعد تغییر و حتی چرخش خواهد بود.

ب) اجبار

مجبور به درست کردن آرمان شهری در کتاب های حقوقی کرده که در آن مقررات حقوق بین الملل بدون توجه به رفتارهای واقعی دولت تدریس و توضیح داده می شود.

به نظر ما حقوق بین الملل حقوقی خود بسنده و منحصر بفرد است. آموزه های حقوق داخلی معمولاً با حقوق بین الملل هم خوانی ندارد. این در نتیجه ساختار عمیقاً متفاوت حقوق بین الملل با حقوق داخلی است. در روابط بین الملل همیشه دو مولفه مهم یعنی منافع و قدرت کشورها تاثیر اساسی و تعیین کننده داشته اند. تاثیر گذاری این دو مولفه در حقوق بین الملل نیز غیر قابل کتمان است. تاثیر این دو مولفه دلیل اصلی تفاوت حقوق بین الملل با حقوق داخلی بوده و باعث می شوند حقوق بین الملل هیچ وقت با حقوق داخلی شکل یکسانی پیدا نکند.

برای توضیح نحوه تاثیرگذاری این دو مولفه از تئوری انتخاب منطقی استفاده و طرز رفتار کشورها در چهار وضعیت انطباق منافع، همکاری، هماهنگی و اجبار را توضیح دادیم. این الگوها می تواند به صورت منفرد یا ترکیبی نحوه پدیداری و رعایت شدن تقریباً تمام مقررات حقوق بین الملل را توضیح دهند. البته شکی نیست که هیچ تحلیلی نمی تواند فاقد نقص و کاستی باشد ولی تحلیل حاضر باعث می شود نسبت به حقوق بین الملل بینشی کاملاً متفاوت با حقوق داخلی پیدا

در اجبار، هر دو دولت اجبار کننده و اجبار شونده با در نظر گرفتن منافع و قدرت دولت مقابل عاقلانه حداکثر منافع قابل دست یابی را انتخاب می کنند. در مثال بالا، سود دولت الف در مجبور کردن دولت ب است، و سود دولت ب در مقایسه با زمان بی توجهی به تهدید یا اجبار در توجه به تهدید یا اجبار است. دولت مجبور شونده با وجود اینکه در مقایسه با زمان قبل از تهدید در وضعیت بدتری قرار می گیرد ولی با تسلیم به اجبار عاقلانه از نتیجه بدتر جلوگیری می کند. به تفاوت اجبار با انطباق منافع هم باید توجه داشت. انطباق منافع زمانی است که پربازده ترین رفتار یک دولت ربطی به رفتار دول دیگر ندارد. در اجبار منافع دولت قوی وابسته به رفتار دولت ضعیف است و دولت قوی دولت ضعیف را در صورت عدم رفتاری که حداکثر سود را برای او دارد تنبیه می کند.⁶⁰

نتیجه گیری

در حقوق بین الملل حقایق غیر قابل انکاری وجود دارد که باعث شده اند بسیاری آنرا حقوق واقعی ندانند. این حقوق قوه مقننه، مجریه و قضائیه متمرکز و اثر بخشی ندارد، این حقوق بیشتر به نفع دولت های قوی است تا دولت های ضعیف، غالباً موضوع آن رفتارهایی است که در نبود این حقوق نیز ترجیح اغلب دولت ها همان رفتار است. این حقوق بدون اینکه مجازاتی در پی داشته باشد نقض می شود. عدم درک درست این حقایق برخی را از حقوق بین الملل مایوس و برخی را

⁶⁰-For a related discussion of coercion, see: Martin, Lisa: Coercive Cooperation: Explaining Multilateral Economic Sanctions. (Princeton: Princeton University Press, 1992), Chap. 2.

- Baird, Douglas G., Robert H. Gertner, and Randal C. Picker: Game Theory and the Law. Cambridge: Harvard University Press, 1992.
- Brierly, James Lesli: The Law of Nations: An Introduction to the International Law of Peace. 7th ed. Oxford university press, 2012.
- Brownlie, Ian: Principles of Public International Law, 4th ed. New York: Oxford University Press, 1960.
- Charney, Jonathan I: Universal International Law. Cambridge University Press, Published online, 2017.
- Franck, Thomas M: The Power of Legitimacy among Nations. New York: Oxford University Press, 1990.
- Jack L. Goldsmith & Eric A. Posner: the limits of international law. New York: oxford university press, 2005.
- James Crawford, SC, FBA: brownlie's principles of public international law. 9th Edition. New York: oxford university press, 2012.
- Martin, Lisa: Coercive Cooperation: Explaining Multilateral Economic Sanctions. Princeton: Princeton University Press, 1992.
- L. Oppenheim: international law. Vol. 1. London: Longmans, green, 1912.
- Rebecca M.M. Wallace: international law, 7th ed. London: sweet & Maxwell limited, Lo 2010.
- Samantha Besson, Jean d'Aspremont: The Sources of International Law: An Introduction. Oxford University Press, 2020.
- Sykes, Alan O, Polinsky and Steven Shavell: The Economics of Public International Law. In Handbook of Law and Economics, 1st ed. Amsterdam: Elsevier, 2007.
- Thomas, Franck M: The Power of Legitimacy among Nations. New York: Oxford University Press, 1990.
- Wolfke, Karol: Custom in Present International Law. Poland: Prace 1964.
- Articles
- Alexander Thompson, "Applying Rational Choice Theory to International Law: The Promise and Pitfalls." the Journal of Legal Studies, Vol. 31, No. S1 (2002).
- Andrew, Guzman, "A Compliance-Based Theory of International Law." California Law Review, Vol.90, No.6 (2002).
- Anne-Marie Slaughter, Andrew S. Tulumello, and Stephan Wood, "Inter-national Law and International Relations Theory: A New Generation of Interdisciplinary Scholarship." Ajil, vol. 92, no. 3 (1998).
- Bradley, Curtis A., and Jack L. Goldsmith, "Customary International Law as Federal Common Law: A Critique of the Modern Position." Harvard Law Review, Vol. 110, (1997).
- Chicago Council on Foreign Relations, "American Public Opinion and Foreign Policy." Worldview, (2022).
- D'Amato, Anthony A, "The Concept of Special Custom in International Law." Faculty Working Paper s, Northwestern University School of Law, (2010).
- Eric, A Posner, "A Theory of the Laws of War." University of Chicago Law Review, Vol.70, (2003).
- Goldstein, Judith, Miles Kahler, Robert O. Keohane, and Anne-Marie Slaughter, "Legalization and World Politics." International Organization 54, (2000).

کنیم. بینشی که به نوبه خود می تواند باعث اتخاذ شیوه و روش متفاوتی برای درک، تدریس و توضیح این حقوق گردد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- کتاب‌ها
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا: حقوق بین الملل عمومی، چاپ هفتاد و هشت. تهران: انتشارات گنج دانش ۱۴۰۲.
- موسی زاده، رضا: بایسته های حقوق بین الملل، چاپ سی و یک. تهران: بنیاد حقوقی میزان ۱۴۰۱.
- میر عباسی، سید باقر: حقوق بین الملل عمومی، چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷.
- مقالات
- خدایی فام، حجت و علیرضا آرش پور، «چارچوب حقوقی سازمان جهانی تجارت از منظر تئوری بازی در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، ۳۵، شماره ۵۹، (۱۳۹۷).
- نجف پور، مجید، «اختلاف مرزی ایران و عراق و تاثیر آن بر جنگ تحمیلی»، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره هشتم، شماره ۲ (۲۹) تابستان (۱۳۹۸).
- Books
- Andrew Guzman: How International Law Works: A Rational Choice Theory. New York: oxford university press, 2008.

- Henkin, Louis, "How Nations Behave, Review Essay." By Abram Chayes" and Antonia Handler Chayes, The Yale Law Journal, 2600, Vol. 106, (1996). -
- Koh, Harald Hongju, "Why Do Nations Obey International Law?" Yale Law Journal, vol. 106: 2599, (1997). -
- :Kenneth a. Oye, "explaining cooperation under anarchy Hypotheses and Strategies." World Politics, Vol. 38, No. 1, (1985). -
- Robert O. Keohane, "Rational Choice Theory and International Law: Insights and Limitations." Journal of Legal Studies, Volume XXXI (1), (2002). -
- Restatement (Third) of Foreign Relations Law, Philadelphia: The American Law Institute, 102, comment d. (1987). -
- Decision -
- The Paquete Habana. 175 US 677, (1900) -